

ارزیابی عوامل موثر بر اسکان غیر رسمی و راهکارهای ساماندهی حاشیه‌نشینی در

ایران

علی براتی^۱

از صفحه ۶۷ تا ۸۳

دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۱۲

پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۲۳

چکیده

رشد شتابان مهاجرت به شهرها و توسعه بی‌قاعده کلان‌شهرها علت اصلی شکل‌گیری مناطق حاشیه‌نشین است. رشد مناطق حاشیه‌نشین نمود بارز فقر شهری و بی‌سازمانی اجتماعی می‌باشند. به نحوی که امروزه به عنوان مهم‌ترین کانون‌های بروز ناهنجاری و جرائم اجتماعی شناخته می‌شوند. امروزه بسیاری از مردم جهان در سکونتگاه‌های نامناسبی زندگی می‌کنند که فاقد امکانات لازم جهت زندگی انسانی هستند این‌گونه مناطق به اسکان غیررسمی شهرت یافته‌اند. تحقیق حاضر در تلاش است تا با شناخت عوامل اصلی و تأثیرگذار بر روند شکل‌گیری مناطق اسکان غیررسمی، جهت حل این مشکل به ارائه راهکارهایی در این زمینه بپردازد. برای انجام این تحقیق از منابع کتابخانه‌ای و همچنین آمار سرشماری‌ها و سایر آمارهای مربوط استفاده شده است. بر اساس یافته‌های تحقیق، پس از انجام اصلاحات ارضی و تغییرات صورت گرفته در ساختار روستاها، روند مهاجرت به سمت شهرها شکل گرفت و در سال‌های بعدی شدت یافت و در همین زمان اولین نطفه‌های سکونتگاه‌های غیررسمی شکل گرفت. به دلیل تمرکز اداری-سیاسی و اقتصادی در مراکز استان‌ها، بزرگترین مناطق اسکان غیررسمی نیز در همین شهرها شکل گرفته است. در پایان به ارائه راهکارهایی جهت حل این مشکل پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: اسکان غیررسمی، امنیت پایدار شهری، ساماندهی، ایران.

مقدمه

یکی از عوامل ناپایدار کننده توسعه شهری به‌ویژه در جهان در حال توسعه، پیدایش و توسعه سکونتگاه‌های غیررسمی است که نمودی از سوء مدیریت و مشکلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در سطوح ملی و محلی را به نمایش می‌گذارد. به عبارت بهتر، این سکونتگاه‌ها یکی از چهره‌های بارز فقر شهری هستند. این پدیده در نظام شهری ایران نیز قابل مشاهده است. بر اساس برخی آمارها، بین ۲۰ تا ۳۰ درصد جمعیت کلان‌شهرها و حتی بسیاری از شهرهای متوسط در سکونتگاه‌های غیررسمی، اسکان گزیده‌اند. (وحدتی، ۱۳۸۱) این پدیده در بعضی جوامع، معلول کشش طبیعی قطب‌های صنعتی، شغلی، رفاهی و اداری و در بعضی اجتماعات، مولود مهاجرت روستائیان و جاذبه سراب زندگی شهری و در بعضی دیگر، حاصل از دیدگاه دیگر می‌توان دو نوع حاشیه‌نشینی شهری تشخیص داد که نخستین آن زائیده عدم تعادل و بیماری داخلی شهرها و دیگری ناشی از هجوم عناصر شهری در اثر تحولات اجتماعی می‌باشد (شکویی، ۱۳۵۵). در کشورهای در حال توسعه و از جمله کشور ما، کماکان رشد و توسعه شهرنشینی، سیر صعودی و شتابانی را طی می‌نماید و هم‌چنان هر روز که سپری می‌شود، اندیشه شکل‌گیری و پیدایش شهری جدید، ظهور می‌یابد. یکی از مشکلات مهمی که امروزه شهرنشینی را با معضل فراوانی روبه‌رو کرده، مشکل حاشیه‌نشینی است. حاشیه‌نشینی از جمله معضلات مهم شهرهای بزرگ جهان سرمایه‌داری، به‌طور عام و کشورهای جهان سوم به‌طور خاص و از جمله ایران است.

امروزه صدها میلیون نفر از مردم جهان، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، در سکونتگاه‌های غیرمجاز و آشفته، در شرایط بد اقتصادی اجتماعی و زیست محیطی زندگی می‌کنند. انگلس یک‌صد سال پیش در انگلستان به محله‌های زاغه‌نشینی اشاره می‌کند و وجود آن‌ها را ناشی از انقلاب صنعتی می‌داند. در سال ۱۹۹۶ حدود ۲۵ درصد جمعیت جهان فاقد خانه‌ای در شأن زندگی انسانی بوده‌اند (محمدی، ۱۳۸۷: ۸۵). آبرامز مراحل ایجاد سکونتگاه‌های غیرقانونی را پیروزی مناطق شهری برای ایجاد سرپناه و مسکن قلمداد می‌کند و آن را به وسیله قانون اجبار و اجبار قانونی تعریف می‌کند. تورنر (۱۹۶۹) در مورد چنین سکونتگاه‌هایی نظر مثبتی دارد و آن را راه حلی بسیار موفقیت‌آمیز برای مشکلات مسکن مناطق شهری کشورهای در حال توسعه می‌داند. (هادیزاده، ۱۳۸۲، ۳۰-۳۱).

کمیسیون جهانی آینده شهرها در قرن ۲۱، هشدار داده که به موازات رشد ابر شهرها فقر شهری

در کشورهای جنوب در حال افزایش است و بخش عمده‌ای از رشد شهرنشینی بر پایه‌ی اقتصاد غیررسمی شهری و همراه با گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی صورت خواهد گرفت و این گرایش را "رسمی شدن شهرنشینی" نامیده‌اند. شهرنشینی و گرایش شدید جمعیت به سکونت در مناطق شهری حاصل سیاست‌ها و راهکارهای اقتصادی و اجتماعی هر کشور است. این سیاست‌ها در دهه‌های اخیر به ویژه در کشورهای در حال توسعه به مهاجرت‌های شدید روستا شهری منجر شده و همگام با تحولات سریع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، الگویی نامتوازن در نظام شهری چنین کشورهایی ایجاد کرده است. چنین شرایطی، موجبات مهاجرت بی‌رویه به شهرهای بزرگ‌تر و اسکان غیررسمی گروه‌های قومی و نژادی مهاجر را فراهم نموده و مدیریت شهرها را در ارائه خدمات و تسهیلات به جمعیت با مشکلاتی روبه‌رو کرده است (رهنما و دیگران، ۱۳۸۷: ۸۴).

بیان مسئله

اسکان غیررسمی از جمله پدیده‌های ناشی از شهرنشینی شتابان معاصر و از جلوه‌های بارز فقر شهری است که به صورت خودرو در درون یا اطراف شهرها ظاهر شده است. این‌گونه سکونتگاه‌ها با تجمعی از قشرهای کم‌درآمد و غالباً با مشاغل غیررسمی و شیوه‌ای از شهرنشینی ناپایدار همراه‌اند و زمینه مناسبی برای بروز آسیب‌های اجتماعی به شمار می‌روند. حاشیه‌نشینی، یک معضل ناشی از نقش شهرگرایی و یا مهاجرت‌های روستا به شهر نیست بلکه شهرنشینی در این میان نقش متمرکز کننده بیکاران حاصل از الگوی توسعه اقتصادی و اجتماعی روستا و مهاجرت به‌عنوان حربه‌ای است در دست روستائیان که خود را جهت زندگی بهتر به شهر می‌رسانند. علل حاشیه‌نشینی را نمی‌توان خارج از چارچوب علل مهاجرت بررسی کرد، چراکه عوامل دافعه در روستاها موجب تخلیه این مناطق می‌گردد و عوامل جاذبه شهری آن‌ها را به این سمت و سو می‌کشاند و سربار جامعه شهری می‌سازد. حاشیه‌نشینان به علت فقر شدید اقتصادی و مالی و همه‌جانبه و اعتراض نسبت به وضع موجود و ابراز وجود شهرها، اقدام به فعالیت‌هایی می‌نمایند که موجب سلب آسایش شهروندان و امنیت شهرها می‌گردد. گرایش به اعتیاد، فقر، بیکاری، نزاع، مهاجرت‌های بی‌رویه و فقدان برنامه صحیح جهت پرکردن اوقات فراغت و مشکلات

خانوادگی و قومی در منطقه حصار و در دسترس بودن آسان مواد مخدر در بین افراد این جامعه و علت‌های دیگر موجب ناامنی این منطقه گردیده است.

با توجه به اینکه در محدوده سکونتگاه‌های غیررسمی امکانات و خدمات عمومی شهر، شبکه معابر، روشنایی سطح شهر و فضای سبز به صورت نابرابر توزیع گردیده است لذا این موضوع به نحوی می‌تواند در افزایش ناامنی مؤثر واقع گردد. شاخص‌هایی که در امنیت شهری دخیل هستند و توزیع عادلانه آن در شهر باعث افزایش و کاهش امنیت شهروندان می‌شوند عبارت‌اند از

- ۱- خدمات فرهنگی
- ۲- خدمات بهداشتی
- ۳- خدمات کالبدی
- ۴- خدمات رفاهی و تفریحی
- ۵- خدمات تأسیسات
- ۶- خدمات دسترسی.

ضرورت تحقیق

در ایران نیز جریان سریع شهرنشینی در چندین سال گذشته، حاشیه‌نشینی را به دنبال داشته و این پدیده‌ی در حال رشد، مشکلات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و زیست محیطی فراوانی را در اغلب کلان‌شهرهای ایران به وجود آورده است. بر اساس مطالعات انجام شده در زمینه‌ی حاشیه‌نشینی در مناطق مختلف حاشیه‌نشین ایران می‌توان گفت که مهمترین ویژگی‌های آن عبارت است از ساخت و ساز نامناسب، فقر فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، بیکاری، اشتغال کاذب، عدم رعایت بهداشت جمعی و فردی، عدم دسترسی به امکانات رفاهی، بهداشتی و آموزشی، افزایش جرم، جنایت، فساد، فحشا، مصرف بیش از حد مواد مخدر در مقایسه با سایر مناطق شهری، قومیت‌گرایی، ازدحام بیش از حد جمعیت؛ از سوی دیگر هم‌اکنون در اطراف شهرهای بزرگی چون تهران، مشهد، شیراز، کرمان و اصفهان نیز شاهد رشد و گسترش مناطق حاشیه‌نشین می‌باشیم، که مسلماً می‌بایست برای حل این معضل به ریشه‌های آن پرداخت و با بررسی علل و چگونگی شکل‌گیری آن، راهکارهای مناسبی در جهت ریشه‌کن کردن این مسئله ارائه نمود (ربانی و دیگران، ۱۳۸۸: ۹۴). مسائل و مشکلاتی که مهاجران شهری با آن روبه‌رو هستند، در زمان‌ها و شرایط مختلف متفاوت است. حاشیه‌نشینی و مشکلات آن به‌عنوان یک معضل بزرگ شهری محسوب می‌شود. ضرورت پرداختن به این موضوع از آنجاست که این پدیده در عین حال که نتیجه و حاصل معضلات اجتماعی و خصوصاً اقتصادی است، موجب بروز مشکلات دیگری همچون بزهکاری (خریدوفروش مواد مخدر، نزاع‌های دسته‌جمعی، دایر نمودن مراکز

فساد و فحشا و ... می‌گردد. با گسترش شهرها و تبدیل آن‌ها به کلان‌شهر، لزوم کنترل وضعیت حاشیه‌نشینی و جلوگیری از گسترش آن، بیش‌ازپیش احساس می‌شود.

چارچوب نظری

رشد سریع شهرنشینی در کشورهای روبه توسعه از یک‌سو و محدودیت ظرفیت‌های تولیدی از سوی دیگر، عامل بروز مشکلات عدیده‌ای در توسعه پایدار شهرهای این کشورها می‌باشد. اولین پیامد چنین روندی پیدایش انواع سکونت‌گاه‌های غیررسمی، حاشیه‌نشین‌ها می‌باشد. (صیدی، ۱۳۸۹). حاشیه‌نشینی باعث ایجاد اختلالات ارتباطی و بروز بحران رفتاری در بین اقشار جامعه می‌شود (گیاکومین و همکاران^۱، ۲۰۰۹). یکی از چالش‌های اصلی نظام شهری در کشورهای در حال توسعه و از جمله در ایران وجود نوعی از سکونت‌گاه‌های ناپایدار شهری تحت عنوان سکونتگاه‌های غیررسمی می‌باشد. این امر بحران‌های زیادی را در ابعاد مختلف اقتصادی - اجتماعی، کالبدی، زیست محیطی و سیاسی ایجاد نموده است. (شیعه، ۱۳۸۹)

کلان‌شهر از دیدگاه سیستمی به سیستم‌های باز و پیچیده شبیه است. این پیچیدگی را می‌توان در ترکیب شدن زیرساخت‌ها، ابزارآلات، ماشین‌ها با جامعه انسانی یافت. اصولاً تشکیل شهرها بر مبنای نیاز به امنیت و تجمع منابع در یک محل بوده است که خود زمینه‌ساز کشش جمعیتی و توسعه بیشتر خود می‌شود. حرکت کشاورزان به شهرها و غالب شدن مشاغل غیر کشاورزی در آن‌ها زمینه تقسیم کارهای تخصصی را فراهم نمود. شهرهای پیش از صنعتی اصولاً مرکز نخبگان و ثروتمندان بود و حضور فقرا اصولاً در خارج از شهرها عادت بود. اما با آغاز دوران مدرن، شهر هر چه بیشتر به فضایی گشوده تبدیل شد و محبوبیت ویژه‌ای برای اقشار مختلف پیدا نمود. در این شرایط جمعیت‌های هرچند زیاد می‌توانستند در فواصلی هر چه نزدیک‌تر و در حاشیه زندگی کنند. این جمعیت‌های حاشیه‌ای که بانام‌هایی متفاوت چون زاغه‌نشین‌ها، زور آبادی‌ها، حلبی‌آبادی‌ها و ... شناخته می‌شوند. حجم بزرگی از مطالعات جامعه‌شناسانه را به خود اختصاص داده‌اند که همراه با هزینه‌های اجتماعی بسیار بالایی بوده است (فکوهی، ۱۳۸۳). . مفهوم حاشیه‌نشینی معانی و اسامی گوناگونی برای خود دارد و اغلب، به مسکن فاقد خدمات و نیازهای اولیه انسانی اطلاق می‌شود (گروبر و دیگران ۲۰۰۵: ۳). ظاهراً اولین تعریفی که درباره

1. Giambattista Giacomini, Hubert Lacoïn, And Fabio Lucio Toninelli

حاشیه‌نشینی ارائه‌شده، به سال ۱۸۱۲ برمی‌گردد که در آن، حاشیه‌نشینی به مکان‌های شلوغ و مراکز جرم‌خیز اطلاق می‌شد (ربانی و علیزاده‌ا قدم ۱۳۹۰: ۶۸). در استفاده از کلمات برای بیان این نوع خاص اسکان، روایت‌های متفاوتی وجود دارد. سکونتگاه‌های بی‌ضابطه، سکونتگاه‌های کنترل نشده، زاغه‌نشینی، آلونک‌نشینی، فقرنشینی اغلب از حاشیه‌نشینی به‌عنوان یک معضل اجتماعی نام برده می‌شود. اما این پدیده در حقیقت نتیجه‌ای است از تخریب سیستماتیک روابط حاکم قدیمی بر اقتصاد کشور (به‌ویژه کشاورزی) طی دوران تکیه بر درآمد نفت و رواج الگوی مصرف‌گرایی و گسترش واردات. (مشهدی زاده دهاقانی، ۱۳۸۷، ۱۴۲).

اسکان غیر رسمی

اسکان غیررسمی یکی از چهره‌های بارز فقر شهری است که در درون یا مجاور شهرها (به ویژه شهرهای بزرگ) به شکلی خودرو، فاقد مجوز ساختمان و برنامه‌ریزی رسمی شهرسازی، با تجمعی از اقشار کم درآمد و سطح نازلی از کمیت و کیفیت زندگی شکل می‌گیرد و با عناوینی همچون حاشیه‌نشینی، اسکان غیررسمی، سکونتگاه‌های خودرو و نابسامان نامیده می‌شود. با توجه به نارسا بودن اصطلاح حاشیه‌نشینی و آلونک‌نشینی برای کلیه اشکال این پدیده، اصطلاح اسکان غیررسمی، با تعبیری گسترده‌تر به جای حاشیه‌نشینی و آلونک‌نشینی بکار می‌رود. از این رو اصطلاح اسکان غیررسمی شامل حاشیه‌نشینی و اشکال متعدد می‌باشد (کمانرودی، ۱۳۷۷: ۱۹). مفهوم حاشیه‌نشینی به معنای اعم، شامل تمام کسانی است که در محدوده اقتصادی شهر ساکن هستند ولی جذب اقتصاد نشده‌اند. جاذبه شهرنشینی و رفاه شهری، این افراد را از زادگاه خویش کنده و به سوی قطب‌های صنعتی و بازارهای کار می‌کشد و اکثراً مهاجرین روستایی هستند که به‌منظور گذراندن بهتر زندگی راهی شهرها می‌شوند (یاوری، ۱۳۸۳: ۶۱۲).

اسکان غیر رسمی در ایران

رشد شتابان جمعیت و تحولات ساختاری در نظام اقتصادی روستایی ایران در بعد از سال‌های ۱۳۴۵ پدید آمد، سبب شد تا شهرها به‌ویژه شهرهای بزرگ به‌عنوان مقصد مهاجرت‌های مناطق روستایی کشور، جاذب مهاجرت‌های وسیع و گسترده‌ای گردند. در این میان، بیشتر مهاجران که توانایی مالی و اقتصادی استقرار و سکونت در محدوده رسمی شهر و

پرداخت هزینه مسکن و اقامت در محدوده قانونی شهرها را نداشتند، برای تأمین سرپناه خود به‌ویژه در شهرهای بزرگ به حاشیه شهرها روی آوردند. هرچند که شدت و حجم این مسئله در استان‌های کشور و شهرهای آن‌ها بسته به شرایط اقتصادی و تمرکز صنایع متفاوت است. آنچه مسلم است پدیده سکونت غیررسمی یکی از مهم‌ترین مشکلات شهرهای بزرگ از جمله تهران، مشهد، تبریز، اصفهان، کرمانشاه، اهواز، بندرعباس، زاهدان، رشت است، برآورد می‌شود یک هفتم جمعیت این شهرها در سکونتگاه‌های غیررسمی و نابسامانی ساکن باشند (پورآقایی، ۱۳۸۳: ۴۶)

جدول شماره ۱: شهرهای دارای بیشترین میزان حاشیه‌نشینی

ملاحظات	موقعیت و نسبت سکونتگاه‌های غیررسمی (درصد)		سکونتگاه‌های غیررسمی				مساحت شهر (هکتار)	جمعیت شهر (نفر)	نام شهر	ردیف
	خارج محدوده شهر	داخل محدوده شهر	جمعیت		مساحت					
			نسبت به شهر (درصد)	جمعیت (نفر)	نسبت (درصد)	مساحت (هکتار)				
۶	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱		
	۲۴.۳	۷۷.۷	۳۶.۰۰	۲۳۷.۰۰۰	۲۶.۰۰	۱۲۶۰.۰۰۰	۴۸۰۰	۶۵۰.۰۰۰	زاهدان	۱
	۳۰.۰	۷۰.۰	۳۹.۱۰	۲۷۰.۹۷۹	۷.۷۳	۷۳۹.۱۴	۹۵۶۹	۶۹۲۹۸۶	کرمانشاه	۲
	۰.۰	۱۰۰.۰	۳۰.۰۰	۱۳۷۱.۰۰	۳.۰۰۰	۱۷۰.۰۰۰	۵۵۰۰	۴۵۷۰۰۰	بندرعباس	۳
	۰.۰	۱۰۰.۰	۲۰.۰۰	۲۴۳۹۳۴	۶.۰۰	۱۴۵۱.۵۶	۲۳۰۰۰	۱۱۹۱۰۴۳	تبریز	۴
	۰.۰	۱۰۰.۰	۵۳.۳۴	۱۷۳۶۷۲	۱۵.۶۰	۵۳۶.۲۰	۳۵۶۱	۲۲۵۶۱۸	سندسج	۵
	۸.۰	۹۲.۰	۲۷.۰۰	۶۵۰.۰۰۰	۴.۰۰	۱۰۰۰.۰۰۰	۲۴۰۰۰	۲۴۰.۰۰۰۰	مشهد	۶
	۴۱.۰	۵۹.۰	۲۷.۲۷	۳۰۰.۰۰۰	۵.۹۰	۱۳۰.۰۰۰	۲۲۰۰۰	۱۱۰.۰۰۰۰	اهواز	۷
	۰.۰	۱۰۰.۰	۹.۳۵	۱۰۳۶۱۹	۳۷.۱۴	۳۹۰.۵۰	۲۸۷۷	۳۸۱۶۸۲	اراک	۸
	۱۰.۱	۸۹.۹	۲۹.۰۰	۹۹۴۸۵	۱۴.۱۷	۸۱۰.۰۰۰	۵۷۱۵	۳۹۱۴۵۵	اردبیل	۹
	۰.۰	۱۰۰.۰	۹.۸۴	۱۸۰۶۷۱	۴.۴۳	۱۸۰۷۶۲	۱۸۹۵۱	۱۰۵۳۰۲۵	شیراز	۱۰
	۰.۰	۱۰۰.۰	۳۹.۱۰	۳۱۸۰۰	۱۱.۷۵	۲۰۱.۷۴	۱۷۱۷.۹۲	۱۴۰۳۰۱	ایلام	۱۱
	۲۰.۰	۸۰.۰	۲۰.۰۰	۲۴۳۹	۸.۲۳	۵۹۷.۵۰	۹۹۷۲	۴۶۴۱۶۲	همدان	۱۲
	۲۱.۴	۷۸.۶	۲۸.۰۰	۱۴۶۰۰۰	۵.۵۰	۱۱۸۰.۰۰۰	۷۵۷۰	۵۲۰.۰۰۰	ارومیه	۱۳
	-۱.۸	۹۹.۸۲	۵.۹۲	۲۲۶۶۸	۵.۹۲	۲۱۸.۹۳	۳۶۹۵	۳۸۱۶۴۰	خرم‌آباد	۱۴
	۵	۹۵	۸.۹۰	۹۰۰۰۰	۳.۹	۳۱۵.۰۰	۸۱۲۵	۱۰۲۰.۰۰۰	قم	۱۵
	۵	۹۵	۱۱	۱۸۱۴۰	۱۱.۸۸	۲۴۴.۰۰	۲۰۵۳	۱۶۵۰۰۰	ساوه	۱۶
	-	۱۰۰	۷.۵۵	۲۲۰۰۰	-۰.۸۵	۵۰.۰۰	۶۴۳۰	۲۹۱۱۱۷	قزوین	۱۷
	-	۱۰۰	-۰.۱۸	۶۰۰۰	-۰.۳۳	۴۴۰.۳۴	۱۳۶۱۶	۳۲۶۷۷۶	یزد	۱۸
	-	۱۰۰	۲۰	۵۸۰۰۰	۲.۶۵	۱۶۹۰۰	۶۳۹۳	۲۸۶۲۹۵	زنجان	۱۹
	۲	۹۸	۱۷.۲۴	۳۲۰۰۰	۳.۵	۹۷.۷۷	۳۷۷۶	۱۲۷۶۰۸	بیرجند	۲۰
	-	-	-	۲۸۱۵۵۰۷	-	۱۴۵۰۹۲۰	۱۸۰۶۰۳۰۴	۱۲۳۶۶۰۸	جمع	
	۸.۲۵	۹۱.۷۵	۲۱.۹۴	-	۹.۷۷	-	-	-	میانگین	

مأخذ: وزارت کشور، معاونت امور عمرانی (۱۳۸۵) و مرکز آمار ایران.

با توجه به تعداد جمعیت و میزان رشد جمعیت سکونتگاه‌های غیررسمی در شهرهایی که با این پدیده روبرو هستند، برآورد می‌شود که رشد این سکونتگاه‌ها ادامه یابد و از این جهت توانمندسازی و بهسازی شرایط سکونت و محیط زندگی این بخش از جمعیت شهری کشور بسیار مهم و ضروری است. میان شهرهای بزرگ کشور تهران به دلیل عوامل مختلفی همچون

مرکزیت سیاسی، تمرکز فعالیت‌های اقتصادی، صنعتی و خدماتی، بیشتر از سایر شهرها از مهاجرپذیری و سکونت غیررسمی جمعیت مهاجر برخوردار بوده است و از این جهت نیز مطالعات بسیاری در مورد مسائل حاشیه‌نشینی آن انجام شده است.

هر چند تشکیل اولین سکونتگاه‌های غیررسمی در ایران به دوره شهرنشینی بطئی می‌رسد، با این حال اگر ماهیت اصلی شکل‌گیری این اجتماعات را مهاجرت‌های روستا - شهری بدانیم، لذا نقطه عطف تحولات شهری در ارتباط با تشکیل این اجتماعات در شکل گسترده آن به دوره شهرنشینی سریع یا شتابان برمی‌گردد؛ که رشد خیره‌کننده چنین اجتماعاتی به اواسط دهه ۴۰ شمسی مربوط می‌شود و از این زمان به بعد بود که این پدیده به‌عنوان یک مسئله مهم و اساسی شهری، به‌خصوص در شهرهای بزرگ ایران در مراجع گوناگون مطرح گردید. بعد از دهه ۱۳۴۰ این معضل در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ نیز گسترش فراوانی یافت به‌طوری‌که در اکثر شهرهای کوچک و میانی کشور نیز به وضوح این پدیده قابل مشاهده بود.

عوامل تأثیرگذار در تشدید اسکان غیررسمی طرح‌های شهری:

یکی از مهم‌ترین نقاط عطف در تحول بازار زمین شهری که منجر به رشد و گسترش پدیده اسکان غیررسمی در برخی از شهرهای ایران شد، در نیمه دوم دهه ۱۳۴۰، یعنی پس از آن رخ داد که در برنامه سوم (۱۳۴۶-۱۳۴۱) در فصل عمران شهری برای نخستین بار به ضرورت تهیه طرح‌های جامع شهری با هدف تنظیم و پیش‌بینی توسعه زیربناهای شهری در قالبی منطقی اشاره شد. نتیجه آن، الزام به تهیه طرح‌هایی بود که بعدها با نام طرح‌های جامع و تفصیلی برای بسیاری از شهرها تهیه گردید.

قوانین زمین شهری:

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ پیرو مطرح‌شدن ابعاد جدید اسکان غیررسمی که قبل از انقلاب نیز به تنش‌هایی حاد انجامیده بود، دخالت دولت در امر زمین، که از سال ۱۳۵۴ آغاز شده بود، شکل قاطع‌تری به خود گرفت تا آنکه قانون زمین شهری در سال ۱۳۶۱ از تصویب گذشت (اطهاری، ۱۳۸۲: ۸). با تصویب این قانون محدودیت عرضه زمین در داخل شهرها از

یک سو و انحصاری بودن اختیار واگذاری آن توسط دولت از سوی دیگر، عملاً دولت را به تدوین آئین نامه‌هایی برای چگونگی واگذاری‌ها به متقاضیان و کنترل آن‌ها ناگزیر می‌کرد. همین امر موجب می‌شد که برای عملی نمودن نحوه واگذاری‌ها و سهل کردن امر کنترل آن، به ضوابطی متوسل شدند که عمدتاً به حذف برخی و منتفع شدن برخی دیگر منجر می‌شد. در این رابطه، متأسفانه کلید شرایط و ضوابط مصوب عملاً به کنار گذاشتن افرادی می‌انجامید که بیشتر از همه استحقاق دریافت، توجه به رسیدگی از سوی برنامه را داشتند. چنانکه موضوع تسلیم ضمانت‌نامه برای تضمین بازپرداخت اقساط زمین‌هایی که از سوی دولت در اختیار مردم قرار داده می‌شد، در شرایطی بود که امکان تأمین آن برای افرادی که در بخش غیررسمی مشغول به کار بودند و یا اصلاً شاغل نبودند (بیکاران) وجود نداشت و به همین دلیل نیز چنین افرادی از دایره شمول اقدامات و تسهیلات برنامه بیرون مانده و امکان دریافت زمین از بازارهای رسمی کشور را که در انحصار دولت بود، از دست می‌دادند، اینجا ناگزیر زمین مورد نیاز خود را باید از بازار غیررسمی که معمولاً هم در خارج از محدوده‌های رسمی شهر قرار داشت، تأمین می‌کردند.

مهم‌ترین و عمده‌ترین علل پیدایش و گسترش اسکان غیررسمی در ایران:

- رشد جمعیت شهری و سرریز جمعیت کم درآمدها به محدوده‌های پیرامونی شهر؛
- مهاجرت بالای روستاییان به شهرها تحت تأثیر رشد سریع و ناهماهنگ بخش‌های مختلف اقتصاد؛
- مراحل گذار دستیابی به توسعه اقتصادی - اجتماعی و تغییر در ساختارهای اجتماعی؛
- امید دستیابی به فرصت‌ها و شرایط بهتر برای زندگی و فرار از فقر مطلق مهاجرین و فقرا از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ؛
- ضعف ساختاری شهرنشینی در مواجهه با نظام برون‌زا و مدرنیزاسیون و در نتیجه بروز عدم تعادل در نظام شهری و روستایی در سیر تکوینی شهرنشینی؛
- دومین علت در سطح کلان را نیز باید ساختاری دانست، که سازوکار تبعیض‌آمیز و فقرزا بر پایه توزیع عادلانه منابع قدرت، ثروت و درآمد در جریان است.
- عدم پیش‌بینی فضای مسکونی کافی و مناسب اقشار کم درآمد در طرح‌های کالبدی شهری و اعمال استانداردهای خارج از استطاعت ایشان؛

- دسترسی ناچیز به نظام‌های رسمی اعتباری و وام مسکن برای کم درآمدها، به ویژه شاغلین در بخش غیررسمی؛
- وجود باندهای قدرت نامشروع و سوداگران زمین‌باز به موازات اهمال و ناتوانی در نظارت و کنترل ساخت و سازها، به ویژه بینابینی شهرها؛
- فقدان نهادسازی برای تجهیز و تجمیع منابع اقشار کم درآمد و عدم حمایت و هدایت دولت در مورد خانه‌سازی خودیار؛
- ضعف مدیریت شهری (به‌ویژه در هدایت، نظارت و کنترل) (محمودی‌پاتی، محمد پورعمران، ۱۳۸۷: ۸۱)

راهکارهای ساماندهی اسکان غیررسمی در ایران و جهان

سیاست نادیده انگاری یا بی تفاوتی:

منادیان توسعه برون‌زا و نظریه‌پردازان دانشگاهی غرب معتقدند که: حلب شهرها، مکان پناه گرفتن مردمی بی‌جا و آواره و رانده شده است که چون خس و خاشاک روان بر سیلاب به همراه سیل مهاجرت از روستاها کنده شده و به جامعه شهری سر ریز گشته‌اند، بدون آنکه در زندگی صنعتی مدرن پذیرفته شده باشند. به نظر اینان آلونک‌نشینی (اسکان غیررسمی) در اولین دیدگاه، اثری از آثار جنبی‌گذار جوامع سنتی به جوامع صنعتی و شهری مدرن است. طبعاً چنان‌گذار بر اهمیت و تاریخ‌سازی را نمی‌توان به دلیل آثار جنبی کم ارزشی چون آلونک‌نشینی نفی یا متوقف ساخت. در جریان تحولات شهرهای مغرب زمین چنین پدیده‌ای در محلات فقیرنشین متعلق به سیاه‌پوستان و یهودیان رخ داده است. از این رو پیدایش و تداوم اسکان غیررسمی در جوامع جهان سوم نیز طبیعی است.

راه حل پیشنهادی این دیدگاه در اساس، تحمل این قبیل مکان‌ها و رها کردن آن در دست نامرئی بازار است، که خود به هر تقدیر چاره‌ای خواهد اندیشید. البته گاه و بیگاه طرح اسکان تهی‌دستان و خانه‌سازی ارزان قیمت نیز باید در رسانه‌های گروهی طنین‌انداز شود و طرح‌های محدودی نیز به عمل درآید (پیران، ۱۳۶۶: ۳۵).

هر چند در این نظریه نوعی جبرگرایی و ساختارگرایی مشاهده می‌شود و نگرشی بسیار خوش‌بینانه نسبت به موضوع دارد، اما مهاجرت روستائیان به شهرهای بزرگ را نفی کرده و

مذموم شمرده و آن را محل آسایش ساکنان شهر خوشبخت تلقی کرده است (بیگدلی، ۱۳۸۳: ۶۵).

تحول در نظام اقتصادی - اجتماعی و ساختار جامعه:

نظریه پردازان مخالف نظام سرمایه‌داری هرگونه فعالیتی در راستای تعادل بخشی اقتصادی - اجتماعی و فضایی کشورهای در حال توسعه را ناممکن دانسته و حتی موجب تشدید عدم تعادل عنوان می‌کردند. آن‌ها زدایش پدیده مذکور را منوط به از میان برداشتن نظام‌هایی می‌دانستند که به هر شکلی با سرمایه‌داری جهانی در ارتباطند.

در این دیدگاه نیز نوعی جبرگرایی و ساختارگرایی وجود دارد که نسبت به موضوع به شدت بدبین است. بر این اساس برنامه‌ریزی در راستای حل مشکل اسکان غیررسمی بی‌فایده است. با این وجود در این نظریه نیز، مهاجرت روستائیان، به شهرهای بزرگ نفی و مذموم شمرده می‌شود و نشانه وابستگی به سرمایه‌داری جهانی به حساب می‌آید.

تعدیل و دگرگونی در دو نظریه مذکور موجب شد که در نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ به جای واژه‌های مختلف حصیر آباد، حلبی‌آباد، زاغه‌نشینی، اتاق‌نشینی، ... واژه اسکان غیررسمی برای انواع مسکنی که مهاجران بیرون از قواعد رسمی شهرسازی می‌سازند، انتخاب شود. این نشانه که پدیده مذکور صرفاً از توسعه اقتصاد ناشی نشده، بلکه به برنامه‌ریزی و به ویژه برنامه‌ریزی کالبدی نیز مرتبط است (بیگدلی، ۱۳۸۳: ۶۷).

سیاست تخریب و پراکنش:

این سیاست صرفاً اجرایی با نگرش منجرانه نسبت به پدیده اسکان غیررسمی و آواره کردن ساکنین آن را دارد. این شیوه ابتدایی که رایج‌ترین و معمول‌ترین شیوه برخورد با پدیده اسکان غیررسمی است از دیدگاه آکادمیک و برنامه‌ریزی منفورترین شیوه‌ها می‌باشد. چرا که، نه تنها تأثیری در حذف اسکان غیررسمی نخواهد داشت، بلکه موجبات پراکنش و تشدید آن را نیز فراهم می‌آورد. از سوی دیگر در این نگرش، به عوامل اصلی و جنبی پیدایش اسکان غیررسمی جز از خود اسکان غیررسمی که تابعی بیش نیست، توجه ندارد.

پدیده اسکان غیررسمی پیامد روند تکاملی و تحولات تاریخی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جوامع و نشأت گرفته از سیاست‌های کلان برنامه‌ریزی است. از این رو جامعه (به مفهوم دولت و مردم) و خصوصاً برنامه‌ریزان موظف‌اند بدون اغماض آن‌ها در راستای رفع عوامل ریشه‌ای و روبنایی اسکان غیررسمی بکوشند. از نمونه‌های اجرائی شیوه فوق می‌توان به مورد مانیل با تخریب حدود ۳ هزار آلونک و انتقال قهری حدود ۱۱ هزار نفر نام برد. در سطح شهر تهران در مناطق مختلف از جمله مناطق ۲، ۱۴، ۱۶ شیوه مذکور به اجرا در آمده است، به طوری که در مناطق ۲، ۱۴ چند بار تکرار شده است. شکلی به ظاهر تعدیلی، توافقی و عوام‌فریبانه آن در منطقه ۱۶ شهرداری در خصوص آلونک‌نشینان علی‌آباد بوده که در سال ۱۳۷۵ به اجرا درآمده است.

ساخت مسکن اجتماعی یا مسکن متعارف:

گرایش اولیه دولت‌های جنوب بعد از روبرو شدن با اسکان غیررسمی یا بد مسکنی، ساختن مسکن متعارف برای انتقال ساکنان به ساختمان‌های مذکور بود، که در دهه ۱۹۶۰ میلادی رایج گشت. این فعالیت معمولاً در پی طرح‌های بازسازی یا بهسازی محلات شهرها صورت می‌گرفت. و برنامه‌های ویژه و جامعی برای اسکان کم‌درآمدها وجود نداشت. در عوض با وضع مقررات و انواع محدودیت‌ها سعی بر آن بود که سدی در برابر مهاجرت‌ها ایجاد گردد و در صورت نفوذ مهاجران به شهرها، امکان اسکان از آن‌ها سلب گردد. در ایران تأسیس کوی سیزده آبان در دهه ۱۳۴۰ به منظور جابجایی زاغه‌نشین‌های داخل شهر تهران، از این‌گونه بوده است. در همان زمان برنامه‌ای برای اسکان مهاجران کم‌درآمد جدید وجود نداشت و به شدت از حضور آن‌ها در محدوده قانونی شهر تهران ممانعت به عمل آمده است.

ارائه زمین و خدمات :

در پی شکست راهکارهای تأمین مسکن اجتماعی در دهه ۱۹۷۰ برنامه زمین و خدمات با تأیید و کمک بانک جهانی در کشورهای جنوب رایج گردید. در این راهکار دولت به فراهم آوردن زمین با شبکه زیر بنایی حداقل برای کم‌درآمدها اکتفا کرده و می‌کوشد هزینه‌های آن را از استفاده‌کنندگان اخذ کند. این راهبرد در دهه ۱۹۷۰ مورد استقبال کامل قرار گرفت و در غالب

کشورهای جنوب به اجرا درآمد، اما پس از مدتی کاستی‌های آن آشکار شد. گذشته از اینکه بنا بر انتقادهای سیاسی بر اینکه این راهبرد موجب تثبیت نظام سرمایه‌داری می‌گردد. مشکلات اساسی آن ناتوانی‌های مدیریتی، ناتوانی گروه‌های پایین‌تر کم درآمدها در پرداخت هزینه‌ها، مقابله بعضی از گروه‌های موجود (اسکان غیررسمی) و بالاخره منتزع بودن آن از نظام روابط موجود برنامه‌ریزی و بازار مالی یا ساخت و ساز شمرده شده است. این تجربه به‌وسیله بانک جهانی این‌گونه جمع‌بندی شد که برای حل مشکل کم درآمدها نیاز به رابطه استادانه‌تر و به هم پیوسته‌تری بین بازار دولت و خانوارها می‌باشد.

ساماندهی در پرتو حکمروایی خوب شهری:

در حیطة برنامه‌ریزی شهری از واژگان نوین "حکمروائی شهری" بسیار استفاده می‌شود که مفهوم جامع‌تری نسبت به حکومت شهری دارد و همان‌گونه که گفته شد مجموعه بخش‌های دولتی، خصوصی و جامعه مدنی را در بر می‌گیرد و بر اهمیت نحوه مقبولیت، حقانیت و جاری شدن اراده مدیریت جمعی نزد تمامی شهروندان اصرار دارد. در این کاربرد، کمبودهای رویکرد متداول به مدیریت شهری (دستوری و از بالا بودن، صرفاً فن سالارانه و حافظ ساختار قدرت موجود بودن) نشانه گرفته می‌شود. بنابراین، در شهر نیز به‌طور مشخص برقراری حکمروایی "خوب"، مورد تأکید قرار می‌گیرد و معیارهایی برای "خوب" شدن حکمروایی در نظر گرفته می‌شود معیارهای کمابیش مورد توافق همگانی در این خصوص عبارتند از ۱- فرآیند تصمیم‌گیری مردم سالارانه ۲- قانونمندی، شفافیت و پاسخگویی ۳- کارایی و اثربخشی ۴- انصاف و عدالت ۵- مشارکت‌پذیری و دربرگیرندگی ۶- واگذاری امور به پائین‌ترین سطح ممکن مجموعه. معیارهای گفته شده باید در همبستگی و تقویت متقابل، بررسی و نگرینده شوند (Garauo etal, ۲۰۰۵).

سیاست توانمندسازی:

در سال‌های پایانی دهه ۱۹۸۰ سیاست‌های آزادسازی و تثبیت اقتصادی به‌طور عام و سیاست‌های مسکن مربوط به آن به‌طور خاص مورد نقد قرار گرفت، و ضرورت تغییر آن آشکار شد. این تغییر به طور کلی به لزوم ایجاد تعادل بین بخش عمومی و خصوصی و نه تکیه

یک‌جانبه بر یکی از آن‌ها توجه دارد. این رویکرد به بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول محدود نبوده، بلکه این بار جمع‌بندی تجاربی بود که در مرکز اسکان بشر سازمان ملل متحد و برنامه توسعه سازمان ملل متحد تکوین یافته و بانک جهانی نیز با آن هم‌داستان گشته بود. این رویکرد که نام توانمندسازی به خود گرفته است، با تصویب در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به استراتژی سرپناه مبدل شد. در این رویکرد سیاست‌های مسکن که می‌توان گفت در قالب رویکرد جدید با اقتصاد توسعه به نام نیازهای پایه جای می‌گیرد به مقولات اجتماعی و اقتصادی توسعه یکسان برخورد می‌شود. و این بار به طور همه‌جانبه‌ای می‌کوشد که پروژه‌های منفرد برای مسکن کم‌درآمدها را به اقتصاد کلان برنامه‌های اقتصاد دولت بازار مالی برنامه‌ریزی کالبدی و ... پیوند بزند.

محورهای اصلی این رویکرد عبارتند از:

- برقراری کامل ارتباط بین بخش مسکن و برنامه‌ریزی کلان اقتصادی
- پیوند همه‌جانبه برنامه‌ریزی مسکن با برنامه‌ریزی شهری
- جهت‌گیری سیاست‌ها برای تحقق توانمندسازی خانواده‌ها با استفاده از سازمان‌های غیردولتی
- سازمان‌های مبتنی بر اجتماعات همچون تشکل‌های خودیار که با فعالیت‌های دولت و عملکرد بازار هم‌بسته باشند.
- توجه ویژه به مقولات فقر، محیط زیست، بهداشت در برنامه‌های مسکن و حضور دولت در هنگامی که بازار در تأمین مسکن با حداقل شرایط قابل قبول برای کم‌درآمدها دچار شکست می‌شود. این حضور باید با حداقل پرداخت سوبسید که به دقت مدیریت شده و در عملکرد بازار انحراف ایجاد نکند، انجام پذیرد. بهترین شکل سوبسید، کمک‌های سرمایه‌ای به فقیرترین خانوارها به صورت منفرد است.
- فراهم آوردن شبکه‌های زیر بنایی و اعطای حقوق مالکیت در مناطق حاشیه‌نشین موجود (بیگدلی، ۱۳۸۳: ۷۳).

تکنیک گروه‌های بحث

پیچیدگی و درهم آمیختگی مسائل در عرصه امور اجتماعی، ضرورت استفاده توأم از روش‌های درک مسئله و تبیین علمی آن‌ها را طلب می‌کند. در این راستا تکنیک گروه‌های بحث، از جمله ابزارهای مفیدی است که امروزه به‌عنوان یکی از روش‌های قابل قبول در عرصه مسئله‌شناسی شهری از آن یاد می‌شود. می‌توان با مراجعه به یکی از محلات فرسوده و مسئله‌دار شهری، در چارچوب روش گروه بحث، فهم کاملی از مسائل محله، به دست آورد و با تشکیل درخت مسئله و ارتباط دادن آن با سایر متغیرهای مؤثر، راه‌حل‌های پیشنهادی هم از طریق حضور مردم و گروه‌های هدف منتج گردد. با حضور آگاهانه و مشارکتی مردم می‌توان نه‌تنها طیفی از مشکلات پنهان در این جوامع را شناسایی و اولویت‌بندی کرد، بلکه راه‌حل‌های پیشنهادی را هم می‌توان از درون آن اقتباس کرد و جایگاه عملکردی مردم و نهادهای مسئول را در این زمینه تفکیک نمود. بی‌تردید این شناخت مقدمه تدوین برنامه‌ای سیاستی و اقدامات عملیاتی ناظر بر این برنامه‌ها در جهت تغییر شرایط موجود خواهد بود (رفیعیان و دیگران: ۱۳۸۵، ۵۵).

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

نگاهی به تجارب جهانی در ساماندهی اسکان غیررسمی نشان می‌دهد که تا پیش از دهه ۶۰ میلادی، سرمایه‌گذاری دولتی در بخش مسکن اقشار آسیب‌پذیر غالباً ضروری تشخیص داده نمی‌شود ولیکن نیاز فزاینده به حل مشکل مسکن این قشر موجب توجه ویژه به آن در قالب سیاست‌های همانند: خانه‌سازی اجتماعی، روش زمین و خدمات و توانمندسازی در سطح کشورهای جنوب، از جمله ایران شد (صرافی، ۱۳۸۱: ۸).

در برخورد با پدیده اسکان غیررسمی در ایران، شیوه‌های برخورد مستقیمی با هدف ساماندهی این سکونتگاه‌ها در مکان فعلی وجود نداشته، بلکه عمدتاً تأمین مسکن کم درآمدها بوده که مشخصاً اسکان غیررسمی را در بر نمی‌گیرد. علیرغم وجود چنین برنامه‌هایی در ارتباط با مسئله اسکان غیررسمی در قبل از انقلاب، از میان شیوه‌های مختلف برخورد با این مسئله، راهکارهای قهرآمیز و تخریبی و سیاست‌های نادیده‌انگاری در پیش گرفته شده بود، به‌طوری‌که ذکر شد تأسیس کوی ۱۳ آبان در دهه ۱۳۴۰ به‌منظور جابجایی زاغه‌نشینان داخل شهر تهران، از

اینگونه بوده است. اخیراً در سطح جهان و ایران سیاست‌ها در قالب ساماندهی سکونتگاه‌های موجود در مکان فعلی مطرح بوده، به طوری که به تبعیت از گرایش‌های موجود در جهان، در ایران نیز اخیراً رویکرد اصلی مواجهه با مسئله اسکان غیررسمی از طریق سیاست‌هایی چون توانمندسازی، بهسازی محلات با ابزارهایی همانند خودیاری اهالی و اعتبارات دولتی و تسهیلات بانکی مورد تأکید قرار گرفته است. نقش جدید بخش دولتی در توانمندسازی، علاوه بر نقش سنتی تأمین نیازها، حمایت و تسهیل در به فعل رساندن توان این اجتماعات است به نحوی که بتوان با حداقل تزریق منابع خارجی از توان درونی این اجتماعات نهایت استفاده را برد. برنامه‌ریزی و انجام اقدامات فرهنگی، اجتماعی، آموزشی، اقتصادی و ... توسط ارگان‌های مسئول در این زمینه می‌تواند از گسترش این پدیده پیشگیری نمود و آسیب‌ها و معضلات ناشی از آن را به حداقل رساند. اقداماتی از قبیل افزایش ارائه خدمات عمومی، درمانی، فرهنگی و رفاهی به روستائیان و شهرهای کوچک، ایجاد مدیریت واحد شهری جهت کنترل ساخت و ساز و جلوگیری از افزایش شهرک‌سازی در مناطق حاشیه شهرها، بهبود قوانین و مقررات شهری، توسعه خدمات به اقشار آسیب‌پذیر، اتخاذ تدابیر و اقدامات پیشگیرانه از مهاجرت افراد به کلان‌شهرها و ...

نهایتاً باید گفت از آنجا که اسکان غیررسمی مسئله‌ای محلی به شمار می‌رود، شهرداری با عنوان نهادی غیردولتی و عالی‌ترین و عمده‌ترین مرجع مدیریت شهری، اصلی‌ترین نقش را در روند توانمندسازی خواهد داشت. از این‌رو شهرداری‌ها باید با ابتکاراتی متفاوت از گذشته برای به‌کارگیری بهینه مشارکت و منابع درونی این اجتماعات اقدام کند.

منابع

- اطهاری، کمال (۱۳۸۲) برنامه‌ریزی و کاستی‌های برنامه‌ریزی در مسکن کم‌درآمدها، فصلنامه اقتصاد مسکن، شماره ۳۴.
- بیگدلی، داود (۱۳۸۳) ساماندهی اسکان غیررسمی نمونه مورد مطالعه کوی فاطمیه شهر زنجان، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه زنجان.
- پور آقایی، عبدالله (۱۳۸۳) بررسی و تحلیل اسکان غیررسمی در شهر رشت و راهکارهای مناسب برای بهبود روند آن، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه یزد.
- پیران، پرویز (۱۳۶۶) شهرنشینی شتابان و ناهمگون، آلودگی‌نشینی در تهران، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره‌های ۱، ۳، ۴، ۵، ۷.

- ربانی و عزیزاده اقدم، (۱۳۹۰)؛ حاشیه‌نشین، اصفهان، انتشارات دانشگاه اصفهان.
- رسول ربانی و حمیدرضا وارثی و زهرا طاهری (۱۳۸۸)، تحلیلی بر علل اصلی شکل‌گیری مناطق حاشیه‌نشین در شهر اصفهان نمونه‌ی موردی: منطقه‌ی ارزان و دارک، مجله جغرافیا و توسعه، شماره ۱۳، بهار ۱۳۸۸.
- رفیعیان، مجتبی و مرتضی توکلی و هانیه هودسنی (۱۳۸۵) کاربرد متدولوژی گروه‌های بحث در مطالعات توانمندسازی محلات غیررسمی، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶، تابستان ۱۳۸۵.
- رهنما، محمدرحیم و معصومه توانگر (بررسی تطبیقی حاشیه‌نشین در شهرهای سبزوار، نیشابور، تربت حیدریه و گناباد، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۱۱، پاییز و زمستان ۸۷.
- شکویی، حسین (۱۳۵۵)، حاشیه‌نشین شهری، خانه‌های ارزان‌قیمت و سیاست مسکن، تبریز، موسسه تحقیقات اجتماعی و انسانی، شماره ۱۷.
- شیعه، اسماعیل، (۱۳۸۹)؛ «اسکان غیررسمی و ناپایداری شهری نمونه موردی محله سهرابیه کرج»، نخستین همایش توسعه شهری پایدار_ آذر ۱۳۸۹، دانشگاه تهران
- صرافی، مظفر (۱۳۸۱) به‌سوی تدوین راهبرد ملی ساماندهی اسکان غیررسمی، فصلنامه هفت شهر، سال سوم، شماره ۱۰-۹.
- صیدی، مصطفی، (۱۳۸۹)؛ «اسکان غیررسمی چالشی فراروی توسعه پایدار شهری نمونه موردی شاطرآباد کرمانشاه»، نخستین همایش توسعه شهری پایدار_ آذر ۱۳۸۹، دانشگاه تهران.
- فکوهی، ناصر، (۱۳۸۳)؛ انسان‌شناسی شهری، نشر نی.
- کمانرودی، موسی (۱۳۷۷) اسکان غیررسمی در تهران ساماندهی در منطقه ۶ شهرداری، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی.
- محمدی، یاسر و رحیمیان مهدی (۱۳۸۷)، بررسی چالش‌های حاشیه‌نشین در شهرستان کوه‌دشت، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۶۶، زمستان ۸۷.
- محمودی پاتی، فرزین و محمد پور عمران، محمد (۱۳۸۷) سیاست‌های مدیریت زمین شهری، انتشارات شهیدی، چاپ اول.
- مشهدی زاده دهاقانی، ناصر، (۱۳۸۷)؛ تحلیلی از ویژگی‌های برنامه‌ریزی شهری در ایران، انتشارات علم و صنعت، چاپ هشتم.
- وحدتی اصل، ابوالقاسم (۱۳۸۱) اسکان غیررسمی، فصلنامه هفت شهر، سال سوم، شماره هشت.
- هادی‌زاده بزاز، مریم، (۱۳۸۲)، حاشیه‌نشین و راهکارهای ساماندهی آن در جهان، انتشارات شهرداری مشهد، مشهد.
- یآوری، نفیسه (۱۳۸۳) همایش مسائل شهرسازی ایران، شیراز: دانشکده هنر و معماری دانشگاه شیراز.

-Garauo, Pietro et al. (2005). A Home in the City. London: Earthscan.

-Giacomin, giambattista, Iacoin, Hubert and Fabio Lucio, Toninelli (2009). disorder relevance at marginality and critical point shift, Universit'e Paris Diderot and Laboratoire de Probabilit'es et Mod`eles Al'atoires

-Gruber, Denis, et al. (2005). Living and Working in Slums of Mumbai. Internet-Fassung. Otto-von-Guericke-Universität Magdeburg.

